

— محمد بن مروان از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود : هرکس دوازده بار قل هو الله احد بخواند خداوند برایش دوازده قصر در بهشت بسازد ، و نگهبانان بهشت گویند : برویم قصرهای آنرا برادرمان را تماشا کنیم . و هرکس چهارصد بار بخواند مزد چهارصد شهید دارد که هر یک از آنها اسبش را در راه خدا پی کرده و خونسریخته شده است . و هرکسی که آنرا هزار بار در یکشنبه بخواند نمبرد تا جایگاه خود را در بهشت به جنم ببیند .

(اصول کافی ، کتاب

القرآن ، باب فصل القرآن)

— و ابراهیم بن مهزم از مردی حدیث کند که شنید از حضرت امام ابی الحسن علیه السلام ، که میفرمود : هرکس پشت سر هر نماز واجب آیه الكرسي بخواند هیچ حیوانی که نیش زهرآگین دارد او را زیان نرساند . و فرمود : هرگاه از پیش آمدی ترسیدی صدآیه از قرآن از هرکجای آن خواهی بخوان .

— و سلیمان جعفری گوید : از حضرت ابی الحسن علیه السلام شنیدم که میفرمود : هیچکس نسبت کسی که از دوران کودکی هر شب سوره " قل اعوذ برب الفلق " و سوره " قل اعوذ برب الناس " را هر کدام سه بار و سوره قل هو الله احد را صدبار یا لا اقل پنجاه بار بخواند جز اینکه خدای عزوجل از او بگرداند هر نوع دیوانگی و جن زدگی و مرض تشنگی و فاسد شدن معده و حوشش خون را تا زمان پیری .

— و نیز در بلد الامین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده است که هر که هر روز ده مرتبه

این دعا را بخواند (منی دعا) حق تعالی حینا ره را رکناه
کبیره او (!) را با مرزد و او را از سگرات سرگ و
فسار قبر و هول قیامت نجات دهد و از شر شیطانی و
لنکرهای او محفوظ گردد ، و قرص ادا شود ، و هر چه
هم و غم دارد رایل گردد .

— و از حضرت صادق علیه السلام مرفول است که هر
که گرسنه باشد وضو بگردد و دو رکعت نماز بگردد و
بگوید " یا ربانی حائغ فاطعمنی " بدرستی که حقیق
سحابه و تعالی او را در ساعت طعام دهد .

، — روایت شده که وقتی که حضرت نوح علیه السلام
سوار کشتی شد مع فرمود عقرب را از سوار شدن بر کشتی .
عقرب گفت من عهد میکنم با تو که نگزم هر کسی را که
بگوید " سلام علی محمد و آل محمد و علی نوح فسی
العالمین " .

— و روایت شده که در بعضی جنگها ، اصحاب حضرت
رسول صلی الله علیه و آله خدمت آن حضرت شکایت کردند
از اذیت کیکها . فرمود در وقتی که به خوابگاه خود
روید این دعا را بخوانید (متن دعا) .

— از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
است که هر که بخواند اجلی بد تأخیر سفند پس بگوید
به مریضه در وقت دخول در سبوسه مریضه در وقت دخول
در صبح (منی دعا)

— نقل است از کتاب " نثر اللطالی " تألیف سید
سعید علی بن فضل الله الحسینی راوندی ، که مرفدی
به حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام شکایت کرد از زیادت
قروض خود . فرمود بگوید : " اللهم یا فارح الهمم و
منفس الهمم و مذهب الاحزان و محیب دعوة المظترین ... " .
پس هرگاه بقدر تمام روی زمین طلا مدیون باشی حق تعالی

آنها بحای نو ادا فرماید .

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی و ز
از محمد بن خالد ، و او از حسن بن سعید ، و غیره
از یحیی بن یزید ، و او از یحیی بن عیسی ، و او از یحیی بن
مرزبان ، و او از سعید بن طاووس ، و او از سعید بن طاووس
امام باقر علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه
علیه و آله فرموده است : هرکس در یک سال صد مرتبه
از قرآن بخواند از عاقبتش بوسه شود ، و هرکس صد
بناحاه آیه بخواند در زمره ذاکرین بوسه شود ، و هرکس
که صد آیه بخواند در زمره فائزین بوسه شود ، و هرکس
که دوست آیه بخواند از خائضین بوسه شود ، و هرکس
که سصد آیه بخواند از زمره فائزین بوسه شود ، و هر
کس که بانصد آیه بخواند از جمله محبتی بوسه شود ،
و هرکس که هزار آیه بخواند برای او یک قطار از طلا
نوشته شود ، و بدرستی که قطار یا برده هزار مثقال
طلا است که هر مثقالی بیست و چهار فیراط است - و
کوچکترین قنطار ها به اندازه کوه احد ، و بزرگترین
آنها با اندازه آنچه است که میان زمین و آسمان است .
(از همان کتاب)

— یکی از اصحاب از سهل بن زیاد ، و او از محمد
بن یحیی ، و او از احمد بن محمد بن عیسی ، و هر دو از ابن
محبوب ، و او از جمیل ، و او از سدید ، نقل کرده است
که حضرت امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام فرمود :
سوره ملک سوره ای است که از عذاب قبر جلوگیری کند ،
و در تورات نیز سوره ای بنام سوره ملک نوشته شده ...
و پدرم علیه السلام این سوره را در قرآن هر روز و هر شب
میخواند ، و هر که آنرا بخواند در گورش نکیر و منکر
بر او در آیند ، ولی از طرف پایش که آید پاهایش

به آن دو گویند : از این طرف راه نیست ، چون این
 سده به روی ما دوبا می ایستاد و هر روز و هر شب سوره
 ملک را میخواند . و چون از سوی نکمین درآیند ، به آن
 دو گویند : از این طرف راه نیست ، زیرا این سده سوره
 ملک را درصحن حای داده ! و چون از جانب سرش درآیند ،
 زبان گویند : از این طرف راه نیست ، زیرا این سده به
 وسيله من هر روز و هر شب سوره ملک را میخواند .

(اصول کافی ، کتاب فصل
 القرآن ، باب السواد)

— و ابوصبر گویند : به حضرت امام باقر علیه
 السلام عرض کردم : هرگاه قرآن را با صدای بلند میخوانم
 شیطان نزد من آید و گویند تو با این کار به خانواده خودت
 و به مردم ربا میکنی . فرمود : ای ابا محمد ، قرآن
 را با صدای متوسط بخوان که فقط خانواده ات بشنوند ،
 و آوازت را در خواندن قرآن در گلو بچرخان ، زیرا خدای
 عزوجل آواز خوشی را دوست دارد که در گلو چرخاننده
 شود .

— و علی بن ابی حمزه گویند : خدمت حضرت امام
 صادق علیه السلام شرفیاب شدم . پس ابوصبر به آن حضرت
 عرض کرد : قربانت بروم ، در ماه رمضان همه قرآن را
 در یک شب میخوانم ؟ فرمود : نه ! عرض کرد : در دو شب ؟
 فرمود : نه ! عرض کرد : در سه شب ؟ فرمود : ها !

(اصول کافی ، کتاب فصل القرآن
 باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن)

— و نوفلی و سکونی از حضرت امام صادق علیه
 السلام روایت دارند که فرمود : رسول خدا صلی الله
 علیه وآله فرمود : آنها که عرب نیستند از امت من

قرآن را عجمی میخوانند (مراعات تحوید و اعسراب را
نمیکنند) ، اما فرشتگان آنرا میگیرند و به عربی
صحیح بالا میسرند .

(اصول کافی . کتاب فصل القرآن ، باب
ان القرآن یرفع کما یرسل)

— روایت شده از حضرت صادق علیه السلام ، که
اگر از عقرب و جانواران دیگر میترسی بخوان این دعا
را ، که حضرت امام محمد باقر علیه السلام ضامن شده
سلامتی خواننده آن را از شر عقرب و هوام تا وقت صبح
(متن دعا) . و اگر بترسی که در خواب محتلم شوی ، این
دعا را بخوان (متن دعا) . و اگر بترسی از خراب شدن
خانه و مکانی که در آنجا میخوابی پس این دعا را بخوان
(متن دعا) . و اگر از دزد ترسی آخر سوره بنی اسرائیل
را بخوان ، و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل ، چهار
میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ ، و در وقت سرمه
کشیدن این دعا را بخوان (متن دعا) و چون خواستی
بخوابی چراغ را خاموش میکنی و روبه قبله میخوابی .

(مفاتیح الحیان و باقیات صالحات ،
بام سوم در ادعیه و عوذات و آلام و اسقام)

— وکلینی و برقی به سندهای معتبر از حضرت
صادق و حضرت کاظم علیهما السلام روایت کرده اند که چون
نزدیک شود به غروب آفتاب این دعا را بخوان تا از شر
درندگان و از شر شیطان لعین و فرزندانش و از هر
گزنده صاحب زهر ، و از دیوان و غولان ایمن گردی (متن
دعا) .

— و در بلد الامین از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله روایت شده است که هر که در روز ده مرتبه بگوید

” بسم الله الرحمن الرحيم ، لاحوال ولا فوة الا بالله
 العلی العظیم ” از گناهان بیرون آید مانند روری که
 از مادر منولد شده (۱) و خدا دفع کند آرا و هفتاد
 نوع بلا را ، که از جمله آنها دیوانگی و خوره و بیسی
 و فلج بوده باشد ، و حضعالی هفتاد هزار ملک موکمل
 گرداند که برای او استغفار نماید .

— در رسع الارار فعل است که مأمون خلیفه را
 در طرطوس سردردی عارض شد و بهجوجه علاج آن بستند . قصر
 روم کلاهی برای او فرستاد و نوشت : ای کلاه را فرستادم
 که سر گرداری و صداع ساکن شود . مأمون ترسید که در
 آن رهبری تعبیه کرده باشد . امر کرد آرا بر سر حاملی
 نهادند . دید ضرری به او نرسید . پس امر کرد بر سر
 کسی دیگر که صداع داشت نهادند . دردش ساکن شد .
 آنوقت مأمون آرا بر سر خود گذاشت دردش ساکن گشت .
 تعجب نمود و او را شکافت و دید که فیصروم در آن سوزنه
 است : ” بسم الله الرحمن الرحيم ، کم من نعمة لله
 فی عرق ساکن هم عسق لا یصدعون عنها ” !

(ارهسان کتاب)

— و نیز روایت است که شخصی شکایت کرد به حضرت
 موسی بن جعفر علیه السلام ، و گفت : شکم من بسوسنسه
 صدا میکند و مردم صدائی را که از تکم من بیرون میآید
 مینویسند . آن حضرت فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز
 سابی دعا را بخوان (من دعا) بدرستی که قرقره
 شکمت خاموش شود .

— و روایت شده که یکی از اصحاب ائمه علیهم
 السلام عورت خود را گشوده بود در موضعی که شایسته
 نبود . مبتلا شده بود به درد آن ، خدمت حضرت صادق
 علیه السلام شکایت کرد . حضرت فرمود دست جب خود را بر

عورت بگذار و سگو (متن دعا) بدرستی که عاقبت خواهی یافت .

— و برای دفع شیطانی و حادوگران از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که این آیه را بخوانید (من آیه) .

— سد بس طاوس به سد منیر از حمیل بس دراج روایت کرده است که مردی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت : ای مولای من منم یا لرفیه است و خوبشان من مرده اند و موسی ندارم ، و منترسم که مرا نیز مرگ دریا بد . حضرت فرمود که اگر درازی عمر خود و خوبشان و دوستان خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان : (متن دعا) ، و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نیز برای طول عمر نام ببر . وی گفت خدا سوگند که چون برای دعا مداومت کردم چندان عمر یافتنه ام که از زندگانی ملول شده ام .

— کلسی و دیگران به سند معتبر از اهل سنت روایت کرده اند که هر که بعد از نماز ریش خود را بدست راست خود بگیرد و دست چپ را به سوی آسمان بگناید و سه مرتبه بگوید : " یا دوالحلال والا کرام ارحمنی من النار " ، پس دست راست را از ریش بردارد و هر دو دست را به سوی آسمان بگناید و سه مرتبه بگوید : " یا عزیز یا کریم یا رحمن یا غفور یا رحیم " ، پس خداوند جمع گناهان او را با مرزد و استعمار کند برای او حسن و اسی تا هنگام مردن او .

(مفاتیح الحیا و باقیات صالحات ، باب سوم ، در ادعیه و عودات و آلام و اسقام)

— از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که هر سده ای که آب بخورد و حضرت امام حسن علییه السلام و اهل بیت او را یاد کند و لعن کند کشندگان آن حضرت را ، جنه عالی صد هزار حسه برای او بسوسد ، و صد هزار گناه از او بدارد ، و صد هزار درجه برای او بسید کند ، و حیای باشد که صد هزار سده آزاد کرده باشد ، و جنه عالی او را در فضا صحت مطمئن خاطر محسوس گرداند .

— و سر از آن حضرت (ع) منقول است که هر کس آب بخورد و هنوز سیر نشده حمد خدا بگوید و بیست بار بخورد و باز حمد خدا بگوید و باز بخورد ، بیست جنه عالی بهشت را بر او واجب گرداند (!) .

— و سر از حضرت صادق (ع) منقول است که هر که خرمائی یا باره بانی بسید که بر زمین افشاده است پس آنرا بردارد و پاک کند و بخورد ، در شکم قرار نگیرد مگر آنکه بیست بار او را واجب شود (!) و تا کسب فرمودند که این کار فقر را از خورنده آن برطرف میکند و سر از فرزندان و فرزندانش فرزندان او تا فرزندان هفتم ، و او را از دیوانگی و خوره و بیستی و زردان و حماقت (!) محفوظ میدارد .

— و سر از آن حضرت (ع) منقول است که هر که گلی را بگیرد و بسوسد و بگوید " اللیم صل علی محمد و آل محمد " ، هنوز گل را بر زمین نگذاشته باشد که جمیع گناهانش آمرزیده شود ، و حق تعالی برای او از حسنات بقدر بیابان عالج که ماسین مکه و شام و عراق است بسوسد و از گناهان او به عدد ریگ بیابان محو نماید .

(حلیة المنفقین ، باب سوم ، فصول ششم و دوازدهم . باب ششم ، فصل دوازدهم)

فهرستی از ادعیه کبیره و صغیره

دعای علقمه - دعای صعصعه - دعای عظم السلاء -
دعای یستشیر - دعای منلول - دعای عسرات - دعای
سمات - دعای محیر - دعای عدیله - دعای صباح - دعای
حوش کبیر - دعای حوش صغیر - دعای کمیل - دعای
سفی صغیر - دعای فرج - دعای نور - دعای مقاتسل
بن سلیمان - دعای سربع الاحاسه - دعای بامس تحل -
دعای افتتاح - دعای ابو حمزه ثمالی - دعای دحو الارض -
دعای یا شاهد کل نجوی - دعای نافله - دعای امام عصر -
دعای مکنون - دعای تمجید - دعای اعددت لکل هول -
دعای اعراسی - دعای رقعہ الحسیب - دعای حزین -
دعای نماز وتر - دعای ندبه - دعای حدیث قدسی -
دعای مکارم الاخلاق - دعای عبداللہ بن جندب - دعای
ہلال صحیفہ مکرمہ - دعای شیبہ ہذلی - دعای بامس اطہر
الحمیل - دعای دفع هول و غم - دعای آبلہ ریزہ - دعای
خنازیر - دعای درد کمر - دعای درد ناف - دعای درد
خاصرہ - دعای درد شکم و قولنج - دعای خلاصی از زندان -
دعای اداء قرض - دعای وقت دیدن صاحبان بلا - دعا
بجہت پسر شدن حمل - دعای ختنہ - دعای رویت جہود
و ترسا و گمر - دعای فرج از آفات - دعای پییش از
خواب - دعای ایمنی از سوختن و ہربدی در صبح و شام -
دعای رفع فراموشی - دعای زیادتی حافظہ - دعای رویت
جنازہ - دعای زمان غیبت - دعای امان از جن - دعای

بأحر اجل - دعا بحیث رسیده بدن دل - دعای دفع سحر
 ایلیس - دعا برای جواب دسدن مطلب خود - دعای وضو
 بیرون آمدن از منزل - دعای وفات خواندن و پنداریدن -
 دعا برای ایمی از سر درندگان گردگان و شیطان و
 عولان و دردان - دعای درد سر و درد کتف - دعای درد
 شنبه - دعای درد دهان - دعای درد دندان - دعای
 ورمهای بدن - دعای قرقره شکم - دعای خون دماغ -
 دعای درد عورت - دعای دفع برص و بیسی اندام - دعای
 درد زانو - دعای بطلان سحر - دعای دفع شیاطین و
 جادوگران و حیوان - دعای جسم زخم - دعای دفع وسوسه
 شیطان - دعای دفع عقرب و مار - دعای جرب و دمل و قوبا
 و ثالول و ذحیر - دعای باز کردن پیوست - دعای آموزش
 گناهان - دعای طول عمر - دعای جامع دنیا و آخرت -
 دعای عقرب و احتلام - دعای وقت زوال - دعای وقت
 غروب - دعای سرمه کشیدن - دعای شب زفاف - دعا های
 بیت الخلاء .

دعا های هریک از روزهای شنبه تا جمعه هفته -
 دعای وقت طلوع و وقت غروب - ادعیه هریک از ساعات
 روز از ساعت اول تا ساعت دوازدهم - ادعیه هریک از
 ماه های سال از محرم تا ذی الحجه - ادعیه خاص
 روزهای معین از هر ماه - دعا های هر روز ماه رجب -
 دعای هریک از شبهای ماه رمضان - دعای وداع ماه
 رمضان - دعای غیبت امام زمان .

(گردآوری از کتاب معاتیح الحیان ،
 باب ادعیه)

در زیارت

— حضرت رسالت بانه صلى الله عليه وآله فرمود
که هر که مرا زیارت کند واجب می شود که روز قیامت
را سعادت کنم ، و هر که را واجب بود که من سعادت کنم
واجب است که به بهشت رود .

— وهم از آن حضرت منقول است که خطاب به حضرت
امام حسن علیه السلام فرمودند ای فرزند من هر کس که
مرا در حیات و در معات زیارت کند یا پدر یا برادر
ترا که حسنی من او را روز قیامت زیارت کنم و اجمع
گناهان خالص گردانم . وهم از آن حضرت منقول است که
وقتی حضرت امام حسن علیه السلام از او سؤال نمود که با
رسول الله کسی که زیارت ما کند چه ثواب دارد؟ آن
حضرت فرمودند هر کس که مرا یا پدر ترا یا برادر ترا
یا ترا در حیات و معات زیارت کند هر آینه بر من واجب
میشود که او را روز قیامت از آتش دوزخ نگاه دارم .

— وهم از آن حضرت منقول است که حضرت فاطمه
زهرا علیهما السلام را خطاب کرده فرمودند هر کس مرا یا
ترا که فاطمه ای سه روز زیارت کند واجب میشود مرا و
را بهشت .

— و امام باقر ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه
السلام فرمود بخدا قسم آتش دوزخ نمیچشد پای هائسی
که خاک آلوده شده باشد در زیارت جدم حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام خواه در سواری و خواه سواره در
پیادگی .

— و از حضرت علی بن موسی علیه السلام مسئول است که خطاب به احمد برنطی فرمودند هرکس که روز غدیر بدر برده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر بود خدا بزرگوار است در آن روز گناهان بخت سالیان او را مسخید و دو برابر آنچه در ماه رمضان و سب قدر و سب نظر از آن دورج آرا دمبارد در آن روز آرا دم کرداند .
 — و وارد شده که واحداً است بر حرمانداری که هر سال یکبار برابر حضرت امام حسن علیه السلام کند و کسی که یکسال برابر او نکردد و برابر آن حضرت نکند یکسال از عمر او کم مسعود .

— و وارد شده که نماز کردن در مسجد مسعود آنحضرت هر رکعتی معادل هزار حج و هزار عمره است و هزار بنده که آراد کند و هزار جنگ در راه خدا بزرگوار کند با حضور پیغمبر مرسل .

— و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مسئول است که هرکس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را زیارت کند هرگز درد چشم نبیند و بیمار نشود و مریضی نمیرد .

— و احمد برنطی گوید از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسیدند که آیا زیارت بدر تو مقابل هزار حج است؟ آن حضرت فرمودند که نه ، مقابل هزار هزار حج است .

(جامع عباسی ، باب هفتم در آداب زیارت)

— حضرت صادق (ع) به کسی که نوزده حج کرده بود و نوزده عمره ، فرمود که یکی دیگر بجای آوری که بیست تمام باشد و آنوقت برابر یک زیارت امام حسین (ع) خواهد بود .

— در حدیث صحیح ، از حضرت صادق (ع) نقل

نده است که شواب یک زیارت امام حسن (ع) شواب
 هزار عنق و حیناد یا هزار است مسلح و به هر قدمی شواب
 یک حج وارد نده است ، و ثواب هزار غروه و احرصه هزار
 نهند بدری و مرافت محمد مصطفی و صامی بودن علی
 مرتضی به نهند و فضای حواش و دفع نداید دسا و آحره .
 — از حضرت امام رضا (ع) در نندست روایست
 نده که زیارت قبر بسم علی (امام رضا ع) برد خدا
 برابر هفتاد هزار حج مقبول است ، و هر که یک شب در
 حرم او صبح کند گویا خدا را در عرش زیارت کرده باشد .
 — به سند صحیح از بزنطی روایت کرده اند که
 خود او نامه ای را خوانده است به خط شریف حضرت امام
 رضا (ع) که برسان به شیعیان من ، که زیارت من
 برابر هزار حج و هزار عمره مقبول است . با تعجب عرض
 کردم : هزار حج ؟ فرمود : بخدا قسم هزار هزار
 حج (!) و فرمود : من و پدران من شفیع جنی کسم در
 روز قیامت ، هر چند بر او باشد همه گناهان جن و انس .
 — و روایت کرده است کلینی به سند صحیح از علی
 بن مهزیار ثقه ، که گفت پرسیدم از حضرت جواد (ع)
 که زیارت حضرت امام رضا (ع) افضل است یا زیارت
 حضرت امام حسین علیه السلام ؟ فرمود : زیارت پدرم ،
 چرا که حضرت ابی عبدالله (ع) را همه مردم زیارت
 میکنند ، و پدرم را زیارت نمیکنند مگر خواص شیعه .

إسفانیح الجنان ، باب
 فضیلت زیارت ائمه (

دراحوال ملک الموت

— شیخ مفید رضی اللہ عنہ بسند بسیار معتبر
ار حضرت یاقب علیہ السلام نقل کرده است کہ حسین
خدا سعالی خواهد کہ روح فاحری را قفس کند امیر
میرماید ملک الموت را کہ برو با لکریان خود سوی
دشمن من ، و روح بسیدش را گرفتہ و در دورج اندازد . پس
ملک الموت با روی ترش و نفس خون زبانه آتش و دود سده
مانند برق زبانه و صدای خون رعد درہم شکنندہ سر
در آسمان و با درہوا ، یک با در معرب و یک با در مترق ،
و سیخی بہ کف کہ شعبہ های بسیار در آن باشد ، بسا
بماند ملک ہمہ با تازیانہ های مشتعل و بلالی سیاہ
و احگری از جہنم ، سوی او تازد . پس سقطائیل کہ
از خازیان جہنم است برا و در آمد و شربتی سوراں ار
جہنم در کام او ریزد . و چون نظر آن بی سعادت بر
ملک الموت افتد ، عقلش پرواز کند و استغاثہ نماید
کہ مرا بہ دنیا برگردانید . بشود کہ " کلا انہا
کلمہ ہو قائلہا " پس بس بزند آن شیخ را بسدو ،
و روح او را بکشد از جانب پاهای او ، و چون روح اوسہ
زانو رسد کہ نتواند بجسد امر کند از آن تازیانہ ها
برا و بزنند . پس سکرات موت و شدتہا با و چنانند کہ
گویا ہزار شمشیر بہ او میزنند ، و چنان بہ سختی روح
او را بکشد مانند سیخ پر مشعلہ از نمدی تر ، پس آن
سیخ را در بدن او بگرداند و شعبہ های جان او را از جمیع
رگہا و سنداها و اعضاء در آورد ، چون جان بہ گلوی

او برسد ملائکه تازیانه بر او زنند سر رو و بریندا او ،
و گویند به عیب سرون کن جان خود را ، ... و آنگاه
بدش را میان مطرقه و سندان درهم شکند ارسراگشتان
تا دیده های او ، پس بگدی برآید که تمام اهل
آسمانها منادی شوند و تمام ملائکه لعنت کنندگان بر
او لعنت کنند .

و چون بگر و مگر درآیند یا روی های سیاه و
دیده های کبود و حدفه ها مانند دیگ سرخ چون برق لامع
شکافتد به نبش های خود زمس را ، و آوار رعد آسا
سنگ بر او زنند که جاشربه حنجره آید ، و برسد از
خدا و دین و سعیمبر و امام ، گوید نمیدانم . گویند در
دنیا شک داشتی و در اینها هم شک داری ؟ آنگاه گریزی بر
او زسد که غیر از جن و انس آنچه در مشرق و مغرب عالم
است بستوند و ماهیان و وحشان هم رم کنند ، و خداوند
مسلط گرداند سرا و ماریساهی اطلق نام را که روزی سی
وش مرتبه سرا و عذاب کند ، پس ملائکه کرور کسرور
بضرب گرزهای آهنین سرا و زنند تا روز قیامت .

و بدانکه موافق آیات و روایات بعضی اعمال است
که برای مؤمن هم باعث شدت سقرات موت و هول قبر
میشود ، مثل غیبت و دروغ و نیهمت که به حدیث حضرت
رسول اکرم (ص) عمده عذاب قبر از این سه امر است ،
و امر چهارم نجیدن موی شارب (سبیل) است ، و حضرت
رسول (ص) فرمود که یا علی ، هر که موی لب را ببرد
ار مانیست و شفاعت ما را در نیابد و هر که شارب بگذارد
همیشه در لعنت خدا و ملائکه باشد و قسطن روحش دشوار
گردد و عذاب قبرش شدید باشد و به هر موئی مساری
و عقربی سرا و مسلط باشد تا قیامت ، و چون از قبر
سرخیزد سریشانی او نوشته باشد: اهل آتش .

و نیز سه حدیث نبوی بقیه خندیدن باعث
ظلمت قبر است .

(مجمع المعارف ، عین دوم ،
در ذکر رشحه ای از ندائند
مرگ و احوال مسرر)

— آنگاه بیرون آمد ماری از حینم ، که کندگی
سر و گردنش هفتاد ساله راه ناسد ، و جمع میکند ایشان
را بسوی آتش دوزخ ، بعد از آن مظلّمند ایشان را که
سایر خلق باشند بسوی حساب ، و از حضرت صادق (ع)
منقول است که چون روز قیامت شود بیرون آمد از حینم
عربی که نامش حریبش است و سرش به آسمان هفتادم و
دمش به زمین هفتم و دهانش از مغرب تا مشرق و گرداهل
محسّر را کرد و طلب کند گناهکاران را ،

و همان کتاب ، عین هشتم ، در
سرادقات حساب محسّر)

— در جامع الاخبار نقل است که بعضی از صحابه
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که
آن حضرت فرمود : هدیه بفرستید برای مردگان خود ،
که ارواح مؤمنین میآیند هر جمعه به آسمان دنیا مقابل
خانه های خود ، و فریاد میکنند هر یک از ایشان که
آواز حزین با گریه که : ای اهل من ، ای اولاد من ،
ای پدر من و مادر من و خویشان من . . . پس گریست رسول
خدا صلی الله علیه و آله ، و گریه کردیم ما ، و
آن جناب از زیادی گریستن قدرت بر سخنان گفتن
نداشت . . . (مفاتیح الحیان ، کتاب
زیارات ، فصل سوم ،
در زیارت قبور مؤمنین)

احادیث مربوط به آخر الزمان

بأجوج وما أجوج

— حور آخر الزمان رسد ، سدی که در برابر اجوج
وما أجوج است از منی هموار میشود و بأجوج و ما أجوج از هر
بلندی سرعته زبر میآیند . و ما أجوج امتی است و هر
یک چهارصد طایفه است ، و هج مردی از ایشان نمیرسد
تا هزار فرزند پدید آورد . و ایشان سه صنف باشند :
صنفی از ایشان مانند درختان بلبلند ، و صنفی از
ایشان طول و عرضشان مساوی است و همین صنفی که هیچ
کوه و آهنی در بیش ایشان نمی آید . و صنفی دیگر یک
گوش خود را فرش میکنند و دیگری را لحاف خود ، و از کنار
هر قبلی و شتری و خوکی و سایر حیوانات که میگذرند
آنها میخورند . مقدمه این قوم در شام خواهد بود و
ساقه ایشان در خراسان ، و نهرهای مشرق و دریا چاه
مازندران را آخر میکنند .

(حق البقیه ، جلد دوم ، فتنه)

(بأجوج و ما أجوج)

— و اما واقعه یأجوج و ما أجوج : پس حضرت صادق
علیه السلام در باره ایشان فرمود که ایشان اکثر
مخلوقاتند بعد از ملائکه ، و هیچیک نمیرند تا هزار
فرزند از طلب ایشان بهم رسد ، و در آخر الزمان سید
خراب شود و بیرون آیند و مردم را بخورند ، و در روایت
است که هر یک از این دو گروه چهارصد هزار امت هستند

که بیهم مناسبت ندارد ، و به روایی چهارصد فروداند
 و هر فرقه چهارصد برابر امت محمدی ، و چون وعده
 الهی به خروج ایشان رسد سد را بکشد چهار گروه شوند .
 و در دار گروه اول طولان نام باشد که هر چه رسد اسرار
 و انمار و لال آبیار و آب حوکهوار باشد تمام کسد .
 و گروه دوم از جمع آنحد در باغات ارباب حسی
 و نباتات مانده بادریاها و آبیهای بلخ و جوزفانی
 نمایند . گروه سوم سائده ها از درختیان دست و کوه
 و خاک و آنچه از حیوانات و جانوران و خس و حاسساک در
 معاره و معاک باشد به کم برآید بحدی که روی زمین
 برکاهی و ذره گیاهی و فطره ماهی نماید مگر آنکه ریشه
 آن راه آب رسانند . گروه چهارم به سرداری طارون
 نام که از بی توشگی چون گرگ گرسنه و سگ تشنه روانند
 و هر رطب و بایسی که در آفاق از سر و بحر باشد تلذذ
 نمایند و جنان محیط زمین را احاطه نمایند که یک گز
 از زمین از ایشان باقی و خالی نماند ، و چون به کوفه
 و بیت المقدس برآیند تیرهای طغیان از کمان کین
 به آسمان اندازند ، و عزم مصاف چشم آفتاب را بپتاب
 و خیره نموده و قرص آنرا هدف خدنگ کفران سازند و
 گویند که چنان مهارتی در تیراندازی دارند که تیراز
 دست صافی شصت آن اشرار صد فرسنگ راه راه شکوه
 بنالد ، و چون ظلم و جفای ایشان به مرتبه علیارسد
 و به شدت قحط و غلا ، و مؤمنان به خدمت خانم الاوصیاء
 و حضرت عیسی علیه السلام در کوه طور اعتلا یابند ، و به
 دعای مستجاب جناب مستطاب ولایت مآب ، حضرت صاحب
 الزمان علیه السلام ، همه آنها به طاعون یا به اذیت
 گرمی کوچکتر از کنه که به عرب آنرا تعف گویند و از
 گوش و بینی به جوف ایشان رود و اصل به جهنم شوسد ،
 و از گند آن پلیدان عالم بتنگ آید و جای تیری از آن

حالی باشد که بعضی کردند . و در روایت است که
 مدت سلطت ایشان حیل سال برابر دجال ذکر شده است .
 و محیی المعاری و صوری
 السوارب . عن جهرم . ان یومئذ
 از احوال آخرالزمان
 و حار الاوار . جلد سیزدهم .

دجال بدگسال

— اما در ذکر وقایع آخرالزمان پس از فسرا
 رسیدن قیامت کبری و قیام قائم آل محمد (ع) : بدانکه
 پس از ظهور خورشید سرج افامت و ولایت ، به خروج
 مفیدین و ملحدین ظلمت و بلا و محنت و استلا عالم را فرا
 خواهد گرفت . و به حدیث حضرت امیرالمؤمنین علیه
 السلام و کلبه ائمه ظاهریں ، اول کسی که خروج میکند
 از اصحاب فتنه یمنی در مقدمه ظهور حضرت قائم صلی
 اله تعالی فرجه ، صهب نامی است که به مرض سرریز
 مبتلا باشد از بلاد حزیره با شدت و شوکت عظیم . پس
 مردی بنام حرهمی از شام ، و قحطانی و به روایتی
 ربیعی از یمن ، و جمعی دیگر خروج کنند پس فروگرد
 ظلم و فتنه ولایات ایشان را . آنگاه خروج کند سمر
 اینان سمرقندی از خراسان با علم سیاه ، و سفیانی
 از اولاد عتبه بن ابی سفیان از شام با علم سمرخ ، و
 همانرور یمانی خروج کند با علم سفید از یمن مانند
 دو اسب که یگرفتارند . پس سفیانی بر قحطانی و صهب
 و حرهمی غالب آید ، و برای دفع خراسانی متوجه روم
 شود و به نصرت رسد . پس قصد یمانی نموده بعد از
 محاربات مهزم گردد ، و آخر یمانی او را با پسرش جسته
 بند از بندش جدا کند . و با یمانی سید حسنی از اقصی

بلاد مشرق خروج کند ، و حسی و همد و برگ و خراسان راست
 قهر بگردد . پس دلم سعی گیلان و طالقان و فروسی
 احانت او نماید و او کوفه را آباد نماید ، و بصره را
 حرات کند . چون مغان فام فاشم در جهاد عباسی
 بنید مسعود با قائم آل محمد (ص) رحمت نماید ، و
 چون بمای و سرس با ستار آل محمد بر حمت حدار و سید
 دجال و سفای دیگر خروج کند ، و صالحه در اغوا و اصلال
 خلق نماید آنکه فاشم ظهور و در کوفه لسگرها بنهرها منغرق
 سازد برای دفع عمال دجال ، و ظاهر آسفان نای همان است
 به حدیث . سعی از علما روایت بهم خلط کرده اند و اظهار در سرد
 حقیر این است که غیرا و است اما با او و میر لشکر او است ،
 اما خلاصه کیفیت دجال بدستگال که اشذ فتنه است
 و پیغمبران و اوصیاء از شر او قوم خود را مترساندند :
 به حدیث محمد بن مسلم از حضرت باقر (ع) مردم در
 سه سال پیش از آن به قحط عظیم مبتلا شوند : سال اول
 به حس شدن باران و تلف شدن ثلث از محصولات ، سال
 دوم دو ثلث و سال سوم بر همه قحط و غلا استیلا یابد و
 حیوانات و اثر مردم بر طرف شوند ، و در جنین مدتی دجال
 علیه اللعه خروج کند با اطعمه و آلات تعبش فراوان ، و
 به متابعتش شتابند خلقی بی پایان ، حتی آنها که
 دانند که او ساحر است و باطل است . و در محل خروج او
 احادیث مختلفه نقل شده که از مشرق و خراسان و میان
 شام و عراق به اصح روایات خاصه از اصفهان بیرون
 میآید ، و یک چشم دارد پر خون و درختان چون ستساره
 صبح ، و میان دو چشم نوشته است " کافر " تا هر عامی
 بخواند ، و عتائب بسیار نماید از آوردن و رویانیدن
 گیاهها و اظهار گنجهای زمین و زنده نمودن کشتگان و
 نمودن بهشت و دوزخ ، پس دعوی الوهیت او باطل است
 و مؤمنان باید به ولایت اهل بیت و عصمت متمسک شوند .

و آن مسموم چون خروج کند بر سرکوهی نشسته نعره
 هائله‌ای زید که صدای آن به هزار فرسخ رسد، و هر که
 میان مشرق و مغرب است از جن و انس همه بشنوند، و گوید:
 بسائید نزد من ای دوستان، که من خالق و پروردگار
 شما می‌انم، پس خلق عالم بسوی او روند، و اول روز
 خروج او هفتاد هزار یهودی و نصاری و پادیه‌نشانان
 و زنان و اولاد زنا و اهل شراب و غما و قمار متابعت او
 نمایند، و ساحران از آدمیان واجنه با او ملحق شوند
 و با او باشند، و ابلیس و شیطین متمرده بصورت او
 خود را نمایند، و باین نوع مردم وانماید که من
 می‌کنم و زنده می‌گردانم، و گمراه می‌کند مردم را به
 اشد گمراهی، و مباح می‌کند هر حرامی را به مردم که
 با زنها و بصران در کوچه‌ها و راهها علانیه و عریان زنا
 کنند و گوشت خوک و شراب خورند و اقسام سازها بنوازند،
 و اکثر لشکر او اولاد زنا و صاحبان کلاه سبز باشند، و
 به اندک زمان بگذرد تمامی بلاد را سواره بر الاغ
 گلگون که هرگاه مش به حدیث علوی ثلث فرسخ است و بسه
 حدیث نبوی گوشش یک میل و سایر اعضاء از اینقرار،
 و تسخیر نماید همه آفاق زمین را بغیر از مدینه و مکه
 و مراقد ائمه، و بپرو ولایت که گذارش افتد زلزله بسه
 کوه و دشت پدید آید و خلق مرتد گردند،
 و بعد از استقرار فلک از نه ماه و به حدیث
 حضرت صادق (ع) از هشت ماه یکروز بیشتر نخواهد
 بود، که در عقبه شام سه ساعت از روز گذشته یوم
 جمعه قائم آل محمد (ص) او را بکشد،
 و به روایت بسیار از حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع)
 منقول است که ملکی در اول روز ندا کند که به تحقیق حق با
 علی بن ابیطالب است و شیعیان او، و در آخر روز شیطان ندا
 کند که حق با عثمان و شیعه اوست و مظلوم کشته شد.

و پس سفیانی لشکری به مدینه فرستد به سرداری یکی از بی امیه خزیمه نام ، که برحسب اوابا خشک باشد و به روایتی یک جنم او کور باشد . پس مدینه را ستازد و غارت نماید ، و صدوینجاه هزار نفر به کوفه فرستد . پس شصت هزار نفر از آنجا به اهل کوفه هجوم آرند در روز عیدی ، و امرا بستان حار ساحری باشد ، و سید علوی که نفس زکیه است با هفتاد هزار نفر از صلحاء از نجف اشرف بیرون آیند . حضرت صادق (ع) فرماید گویا نظر میکنم نیزه ها و شمشیرها و مناعه های بستان را که آویخته اند بدیوار نجف اشرف روز دوشنبه ، و شهید خواهند شد روز چهارشنبه ، و گویا میبینم سردار لشکر سفیانی را که در رحه منادی او ندا میکند که هر که یک سر از شیعه علی را بیاورد هزار درهم جایزه یابد . پس همسایه سر همسایه خود را آورده جایزه گرد ؟ و گویا میبینم نقابداری را ، و نیت او مگر ولدالزنا ، و آتش فتنه بالا میگیرد در میان کوفه و حیره بلکه تا کر بلا ، و در یکساعت روز در کوفه چندان هزار نفس کشته شوند بحدیکه تا سه روز مردم از آب فرات تنفر کنند از شدت خون و گند جسد ها و خوشحال کسیکه از فرات عبور نماید و در کوفه و دهات باشد . و به حدیث نسوی بیشتر وارد شهر ملعون بغداد شوند و قتل مردان کنند و زنان را اسیر کنند ، پس به کوفه فرود آیند و حوالی آنرا خراب کنند و منوحه شام شوند ، و لشگری که آن ملعون به مدینه فرستد بعد از غارت مدینه به عزم خرابی بعضی رو به مکه روند و بزمین بیضا فرود آیند . و بیرون آید از بغداد سرداری با پنج هزار ساحر ، و کشته شوند بر سر جر فرات هفتاد هزار نفر ، بحدیکه در سه روز مردم از فرات تنفر کنند ، و هفتاد هزار نفر دیگر از ظاهر کوفه یعنی از بغداد

یا حوالی کوفه اسیر شوند و دست‌نزدیده به محل حمل هدایا
 گذاشته ببرند و آخر از کوفه صد هزار مژگ و مصافق به
 دمشق حرکت کنند . پس یمانی که از مشرق خروج نموده ،
 حضرت باقر علیه السلام میفرماید که گنجهای طالقان
 اطاعت او کنند ، وگویا میسزم عصایه سرخی بر سر
 دوازده هزار نفر از فرات عبورکنند ، و شاید کسه
 یمانی اول باشد یا خراسانی که وارد کوفه شوند بطلب
 خون کشتگان و پدران ، و در آنوقت میان مشرق و مغرب
 سه هزار نفر کشته شوند . پس در شب جمعه بیست و سوم
 ماه رمضان ندای آسمانی میشوند و فردایش آفتاب تیره
 و سیاه میگردد و دو ثلث از مردم به سه عقوبت
 احمر و ابیض و اسود تلف شوند ، موت احمر به شمشیر
 ظالمان و موت ابیض به قحط و غلا ، و موت اسود به طاعون
 عظیم و وساء که به حدیث حضرت صادق علیه السلام پنج
 تن از هر هفت تن مردم تلف میشوند ، و از آن جمله
 است ظهور باد سیاه در بغداد ، پس زلزله‌ای شود که
 اکثر اهل شهر به زمین فرو روند و از جمله آیات
 آفاق ظهور کوكب دنیاله دار از مشرق است که چون ماه
 روشنی دهد ، و سرخی از طرف آسمان و آتش طولانی بزرگ
 از مشرق تا چند روز ، و این غیر آتشی است که در قیامت
 ظاهر خواهد شد ، و از جمله آیات دیگر گرفتن آفتاب
 است در نصف ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن ماه
 بعکس قاعده نجوم ، و طلوع آفتاب از مغرب بعد از حسی
 سه شانروز خورشید زیر کره زمین و اجتماع آن با ماه ،
 و این عجیب‌ترین علامات نزدیکی قیامت است . محمـل
 این قضیه عجبیه به حدیث ابن عباس جنان است که هر
 شام که آفتاب سر عبودیت بزمین میگذارد بحریمه اذن
 جدید طلوع مینماید . و چون آفتاب در آن شب معهود عرض
 سحود و استیذان طلوع کند هیچ جواب شرف خطاب از جانب

باریتعالی نیاید ، تا با ماه بهم رسیده هردو در عقده تعویق بمانند تا مقدار سه شبانروز ،... پس فرمان الهی به جبرئیل رسد که آفتاب و ماه را از نور عاری از طرف غرب طالع گردانند . پس ماه و آفتاب چندان بگریزند و چندان از خوف قرب قیامت لرزان و نالان گردند که تمامی اهل آسمانها و آنچه در آنها است و سرادقات عرش به گریه آنها گریان شوند . پس آفتاب بیتاب و ماه سیاه مکور و مکدر از تنق افق مغرب درآمده با هم به برآمدن متابعت نمایند . و چون مردمان چنین امر عظیم مهیب و هائله و واقعه غریب ببینند همه متوجه نوحه و زاری و دعا و توبه و انابه و بیقراری شوند ، لیکن آن روز دیگر گریه و توبه فایده نکند . پس چون آفتاب و ماه به میان آسمان رسند جبرئیل بفرمان جبار جلیل گردن های هردو را گرفته باز به مغرب فرود آورد .

و همچنین است هائله طغیان و طوفان و دخان قال الجبار ، که از حضرت رسول اکرم (ص) و امیر المؤمنین (ع) نقل شده است که در عالم دودی پیدا خواهد شد که در گوش و دماغ کفار داخل شود ، و سرشان را مانند سر بریان شده کند ، و دود از سوراخ های بینی و گوش و مقعدشان بیرون آید . و مردم به تضرع و زاری برگناهان اقرار کنند و عهد کنند که ما مؤمن میشویم . اما حق تعالی نپذیرد .

در مقدمات خروج

و مقدمات خروج مهدی (ع) بسیار است ، و از آن جمله است خروج خوارج از بحر فارس و بنی خالد از مشرق و قتل بسیار میان دو طایفه عجم و عبور علم سیاه

خراسانی از فرات به کوفه و خروج عرب بر شاه عجم و
توطن ایشان در خراسان و استیلای ایشان بر شهرها و
آبادی کوفه و قتل سفیانی شعه را در آن ، و خرابی و
فتنه در شام و مصر ، و مخالفت ترک و روم و خرابی بسیار
به بلاد بغداد به قتل عام ، و زلزله درری و طوس و
هفت مدائن عراق عرب ، و قحط و وبای عظیم مکرر در
بصره و روم و نزول در رمله و انقراض حکام قسطنطنیه ،
و آب برآوردن اکثر قراه و دریای نحف و ساوه ، و اجتماع
هفت ستاره سیاره در کنار یکدیگر .

و به حدیث نبوی که حضرت سجاد علیه السلام روایت
نموده ، چون هنگام خروج قائم شود علم (پرچم) آن
حضرت بی سبی بلند شود ، و ندا کند آن حضرت را که
بیرون بیا یا ولی الله ، پس یکش دشمنان خدا را ، و نیز
شمسیر آن حضرت از غلاف بیرون بیاید و ندا کند که خروج
کن که ترا دیگر درنگ جائر نیست ، و بعضی احادیث
دلالت دارد که آن حضرت زودتر ظاهر می‌شد لکن گناهان
ما باعث تأخیر شد ، و حضرت امام عصر (عج) در توقیع
خود بر شیخ مفید رحمه الله علیه فرمود در باره فتنه
آخر الزمان که اگر شیعیان ما جمع میشدند ، در وفای
عهد خداوند تأخیر نمیشد و سعادت ملاقات ما برکات ما
آنانرا زودتر دست میداد ، و فرمود هر یک از شما باید
عمل نماید به چیزی که او را با ما مقرب سازد ، و اجتناب
کند از هر چه او را به غضب ما نزدیک گرداند ، که به
تحقیق ظهور مابی خسرو ناگاه میرسد و قتی که توسطه
فایده نخواهد داشت و نحاش نخواهد داد پشیمانسی و
ندامت از عقوبت .

(بحار الانوار ، جلد سیزدهم ، شمه‌ای
از احوال آخر الزمان)